

افترا در قانون انگلستان

پنجم گزارش محاکمات

روز نامه ای که گزارش صحیح جریان محاکمه عمومی را طبع کند از شکایت و مؤاخذه بعنوان افترا مصون خواهد بود. شروط اینکه انتشار موضوع مقارن با جریان محاکمه باشد و شرح گزارش مبنی بر توهین نسبت بمذهب یا اخلاق حسنه نباشد. مراعات شرائط مزبور لازم مهم است.

ششم گزارش مذاکرات مجلس و نشریات مجلس

کسی که شرح مذاکرات مجلس عوام یا اعیان را تماماً طبع و نشر کند یا مذاکراتی را که قبلاً منتشر شده است در باره کاملاً طبع نماید از شکایت و تعقیب مصون است ولی اگر فقط بعضی قسمتهای مذاکرات را استخراج نماید دارای مصونیت مطلق نخواهد بود و فقط از امتیاز مشروط استفاده خواهد کرد.

هرگاه کسی در اظهار مطلبی بدیگری مطلقاً آزاد باشد میتواند مطالب را به منشی خود تقریر نماید که برای او بنویسد و آنگاه شدن نویسنده از موضوع مانع مصونیت مشارالیه نخواهد بود.

موارد امتیاز مشروط

در این موارد چنانچه گفته شد حق مطالبه خسارت و تقاضای مجازات مشروط باینست که شاکی بتواند ثابت نماید که مدعی علیه مطلب را با سوء نیت انتشار داده است. در اینجا مقصود از سوء نیت داشتن قصد و منظور است که قانون آنرا تجویز ننموده باشد. در این موارد میزان اینست که سوء نیت وجود

در اینجا منظور از سوء نیت قصد است. ده از امتیاز قانونی برای اعمال نظریات خصوصی میباشد.

موارد امتیاز مطلق

اول مذاکرات دادگاهها

قضات و اعضاء هیئت ژوری و طرفین دعوی و شهود و وکلاء در تمام دادگاهها نمیتوانند هر چه بخواهند کتباً یا شفاهاً اظهار نمایند و اعم از اینکه سوء نیتی داشته باشند یا نه هیچ کس حق شکایت از اظهارات آنها چه بعنوان حقوقی چه جزائی نخواهد داشت ولی البته باید آنچه گفته اند مربوط بموضوع مطر و حد باشد.

دوم مذاکرات بین وکیل و موکل

برای اینکه وکیل بتواند از تمام جزئیات کار موکل خود مطلع گردد و نظریه خود را با مطالعه کافی اظهار نماید این مذاکرات نیز آزاد و از موارد امتیاز است ولی بعضی از علماء برای این مذاکرات فقط امتیاز مشروط قائل شده اند.

سوم مذاکرات مجلس اعیان و عوام

البته لزوم آزادی نطق در این دو مجلس آزاد و بسیار مهم است.

چهارم گزارش های رسمی

مقامات رسمی میتوانند در گزارشهایی که در ضمن اجرای وظائف اداری خود تهیه مینمایند هر چه بخواهند در باره اشخاص اظهار نمایند و اشخاص مزبور به هیچ عنوان حق اقامه دعوی افترا نسبت بانها نخواهند داشت.

داشته یا نداشته است و عوامل دیگر از قبیل غفلت و اشتباه در حقیقت موضوع مؤثر نخواهد بود یعنی اگر کسی در موردی که امتیاز مشروط موجود بوده مطلبی را با سوء نیت اظهار کرده باشد مسئول است اعم از اینکه موضوع را از روی غفلت منتشر کرده باشد یا نه و بر عکس اگر سوء نیتی نداشته باشد مسئول نیست خواه در انتشار موضوع متوجه بدلائل عاقلانه بوده یا نبوده باشد.

اگر نیت گردد که اظهار کنندنده بهیچ وجه معتقد بحقیقت موضوعی که اظهار کرده نبوده است این خوددلیل است که موضوع را با سوء نیت انتشار داده است زیرا بعید است کسی موضوعی را که بکلی دروغ مینداشته است بدون سوء نیت انتشار دهد -- از طرف دیگر ممکن است کسی معتقد بحقیقت موضوعی باشد ولی در عین حال آنرا با قصد سوء انتشار دهد.

تعیین اینکه آیا موضوع مشمول امتیاز هست یا نه با قاضی است ولی یقین اینکه انتشار دهنده سوء نیت داشته یا نداشته است با هیئت ژوری است.

وقتی معلوم شد که مورد مشمول امتیاز بوده اثبات اینکه اظهار کنندنده دارای سوء نیت بوده یا شاکست و حکم آن با هیئت ژوری است.

اما پیش از اینکه قاضی موضوع را به ژوری رجوع کند باید خود معتقد باشد که عرائض شاکی در نظر اول احتمال وجود سوء نیت را میرساند -

دو نوع دلیل برای اثبات سوء نیت میتوان اقامه نمود داخلی و خارجی؛ دلیل داخلی عبارت از استنباط از خود الفظی است که استعمال شده مانند اینکه کلماتی فوق العاده شدیدتر از حد لزوم بکار رفته باشد. اگر در نظر قاضی کلماتی که استعمال شده ظاهراً کاشف از سوء نیت باشد موضوع را بهیئت ژوری مراجعه میکنند که حکم کنند آیا در حقیقت سوء نیتی در بین بوده یا نبوده است. دلیل خارجی عبارت از قرائن و اوضاع مربوط بمورد است که با اتکاب به آن معلوم گردد که هر چند کلمات عادی و معتدلی استعمال شده است ولی اظهار کنندنده فاقد حسن نیت بوده -

شاکی مجبور نیست ثابت کند که سوء نیت طرف مثبتا چه بوده است بلکه فقط کافیت ثابت نماید که شرایط حسن نیت موجود نبوده مثل اثبات اینکه اظهار کنندنده معتقد بحقیقت مطالب نبوده است.

در غالب مواردی که مشمول امتیاز است قانون حدی برای اشاعه موضوع قائل میشود که اظهار کنندنده نباید از آن تجاوز کند.

اصولاً انتشار موضوع در موارد امتیاز مشروط تابع این قاعده کلیست که مطلب تنها ممکن است با اطلاع اشخاص ذینفع برسد نه با اطلاع عموم -- البته در مورد مذاکرات مجلس عموم مردم ذینفع هستند و لهذا اشاعه مذاکرات مزبور محدود بحدی نیست ولی در غالب موارد دیگر عموم مردم نفعی در اطلاع از موضوع ندارند و این نفع محدود بمعنای است و لهذا اگر اظهار کنندنده موضوع را بیش از آنچه لازم بوده است منتشر کند از حدود صونیت خود متجاوز کرده و نمیتواند از آن استفاده نماید. مثلاً اگر عضو يك باشگاه کاری کرده باشد که اطلاع دادن آن بسایر اعضاء باشگاه لازم باشد نمیاید موضوع را در يك روزنامه نشر کرد بطوریکه عموم از آن مستحضر شوند. اگر کسی مطلبی را در موردی که مشمول امتیاز است بخواهد با اطلاع دیگری برساند باید آنرا بطور محرمانه تلفی کند و بوسیله نامه سر بسته آنرا با اطلاع طرف خود برساند نه بوسیله کارت پستال و مخصوصاً اگر موضوع جنس اقرا آمیز شدیدی داشته باشد باید حتی المقدور سعی کند که مستخدمین و اطرفی های او از آن مطلع نشوند.

این نکته را باید متذکر شد که تجاوز از حد معین در انتشار بخودی خود جرمی نیست بلکه فقط دلالت بر غده حسن نیت مینماید و لذا اگر شاکی نسبت سوء نیت بمتهم نداده باشد صرف شکایت از کثرت انتشار بدون اثبات سوء نیت منتهم کافی نخواهد بود.

در مواردی که موضوع از روی سهل انگاری طوری اظهار شود که باعث اشاعه گردد مانند فرستادن کارت پستال شاکی حق تعقیب خواهد داشت زیرا مصونیت نویسنده شامل انتشار عمومی نمیکرد.

ولی هرگاه ناطقی در مجمع عمومی مطلب افترای آمیزی را بگوید که اظهار آن در حضور اعضاء مجمع مجاز باشد و معلوم گردد که در ضمن چند نفر هم که عضو مجمع نیستند در آنجا حاضر بوده اند اگر خود گوینده آن اشخاص را به مجمع نیاورده باشد نمیتوان گفت که از حدود امتیاز تجاوز کرده است.

هرگاه اظهار کننده بتواند قانوناً از امتیاز استفاده کند مستخدمین و نمایندگان او نیز که در انتشار موضوع شرکت کرده اند از همان امتیاز بهره مند میشوند مثل مطبعه ای که تشریحی را طبع کند یا وکیلی که اظهارات موکل خود را در موقع لزوم انتشار دهد ولی در این موارد اگر موکل دارای سوء نیت باشد وکیل او نمیتواند از امتیاز استفاده کند در صورتی که اگر موکل دارای حسن نیت بوده ولی وکیل با سوء نیت اقدام کرده باشد معدک وکیل از امتیاز استفاده خواهد کرد زیرا در اقدامیکه کرده است فقط وسیله جرایم نیت موکل بوده و وجود یا عدم سوء نیت تأثیری در حل موضوع نداشته است.

موارد ذیل مشمول امتیاز مشروط است :

۱ - اظهارات مربوط بانجام وظیفه

هرگاه کسی قانوناً یا اخلاقاً موظف بوده که اظهاری بنماید این اظهار مشمول امتیاز مشروط خواهد بود باین شرط که کسی هم که موضوع باو اظهار شده است وظیفه یا نفعی در آگاهی از آن داشته باشد و تعیین اینکه چنین وظیفه ای موجود بوده یا نبوده با قاضی است.

غالباً سئوالانی از طرف اشخاص موظف یا ذینفع میشود که قانوناً یا اخلاقاً باید جواب آنها داده شود مثل سئوال از کسی که سابقاً مستخدمی نزد او بوده راجع باخلاق مستخدمه مزبور - یا سئوال از تاجری راجع بوضعیت مالی تاجر دیگر - یا سئوال مأمورین کشف جرائم از کسی راجع بجرمی که واقع شده است.

اگر کسی بدون اینکه پرسش از او شده باشد اطلاعی دیگری بدهد چنین موردی مشمول امتیاز مشروط نخواهد

بود مگر اینکه بین او و کسی که مطلب باطلاع او رسیده رابطه مجرمانه ای موجود باشد که مشار الیه را بدادن اطلاع مزبور موظف نموده باشد مانند رابطه بین خادم و مخدوم که خادم موظف است هر چه مربوط بکارش باشد باطلاع مخدوم خود برساند - یا رابطه بین پدر و دختر که ایجاب مینماید پدر هر اطلاعی که در خصوص دوستان دختر خود دارد باو بدهد - همچنین اطلاعاتی که مأمورین يك شرکت تجاری برای انجام وظائف خود بیکدیگر میدهند مشمول این امتیاز است - و نیز اگر يك عده اشخاص برای رسیدگی بوضعیت مالی تجاری که با آنها قصد معامله دارند بشگاهی تشکیل دهند بشگاه مزبور میتواند اطلاعاتی را که هر يك از اعضاء راجع بتجار مختلف بخواهند بده آنها بدهد.

۲ - اظهارات مربوط بحفظ منافع

حتی در مواردی هم که شخص موظف نیست اظهاری بنماید غالباً اتفاق میافتد که برای حفظ نفعی که دارد لازم است اظهاری بکند و این قبیل اظهارات مشمول امتیاز مشروط است مانند اینکه کسی بمستخدم خود تأکید کند که با شخص معینی نظر بسوء اخلاق او معاشرت نکند یا اینکه مستأجری بموچر خود راجع بکارگرانی که در منزل بدستور بموچر مشغول تعمیرات بوده اند اظهاراتی بکند یا اینکه صاحبان سهام يك شرکت برای حفظ منافع شرکت اظهاراتی بیکدیگر بنمایند - این موارد را موارد نفع خصوصی می نامند.

در بعضی موارد هم نفع عمومی موجود است مثل اینکه هر کس میتواند گزارش راجع برقنار مستخدمین دولتی بدهد و نفع او در این موضوع نفع مشترك وعمومی است که در حسن جریان امور مملکتی دارد ولی نباید گزارش را بر رئیس عضو مزبور بدهد و اگر بدیگری بدهد یا در عوض مکاتبه با رئیس مشار الیه مطلب را در روزنامه منتشر نماید از حدود امتیاز تجاوز کرده و نمیتواند از آن استفاده کند.

۳ - گزارشهای ممتاز

گزارش صحیحی که در روزنامه ها و غیره راجع به جریان مجامع عمومی دادگاه ها درج شود مشمول امتیاز مشروط است مگر در مواردی که دادگاه انتشار آن را ممنوع کرده باشد یا دادگاه خصوصی باشد مثل محکمه باشگاهی که برای رسیدگی برقرار اعضای آن تشکیل شود در این مورد اخیر اگر باشگاه نشریه مخصوص خود داشته باشد موضوع را میتواند در آن درج نماید زیرا واضح است که اعضای باشگاه رضایت ضمنی داده اند باینکه مطالب مربوط با آنها در مجله خودشان درج گردد.

در قسمت امتیاز مطاق در تحت عنوان شرح گزارش مجامع بعضی شرائط ذکر گردید که هرگاه آن شرائط حاصل باشد امتیاز مطاق موجود است.

اینک باید علاوه کرد که هرگاه شرائط مزبور حاصل نباشد امتیاز مشروط موجود خواهد بود.

گزارش صحیح مذاکرات مجلس و همچنین استخراج بعضی قسمتها از نشریات مجلس مشمول امتیاز مشروط است.

گزارش مذاکرات مجامع عمومی مشمول امتیاز مشروط است بشرط اینکه انتشار آن بمنفع عموم باشد.

یعنی اینکه در يك مورد مخصوص نفع عامی موجود بوده یا نه با هیئت ژوری است ولی امتیاز شامل نشریات مستهجن و مواردیکه ناشر از درج آنگهی مبنی بر توضیح یا تکذیب موضوع بتقاضای شاکی خود داری کرده باشد نمیشود.

انتشار مطالبی که از اوراق رسمی یا قضائی عمومی صحیحاً استخراج شده باشد مشمول امتیاز مشروط است.

در مورد اخباری که در جرائد درج میشود شخصیت خبر دهنده غالباً تحت توجه قرار میگیرد و هرگاه گزارشی از طرف خبر نگار روزنامه نوشته شده باشد و روی هم رفته مطلب آن صحیح باشد بطور کلی نظر دادگاه اینست که گزارش با حسن نیت تنظیم شده است و انکار این موضوع برای شاکی مشکل خواهد بود ولی اگر از طرف شخصی که شغلش خبر نگاری نیست نوشته شده باشد دادگاه

موضوع را با تردید تلقی خواهد کرد و اثبات سوء نیت آسانتر خواهد بود.

انتقاد منصفانه

انتقاد منصفانه در خصوص موضوعی که دارای نفع عام است یا در معرض انتقاد عمومی گذارده شده قابل شکایت نیست.

بین انتقاد و اسناد تفاوت کلی موجود است انتقاد عبارتست از عقیده گوینده یا نویسنده در باره مسئله ای که محقق و ثابت باشد در صورتیکه اسناد عبارتست از اظهار امری بعنوان واقع مثلاً اظهار عقیده راجع به ملیت مسلم.

الوقوع یکی از رجال کشور انتقاد است ولی اظهار این که مشار الیه مرتکب اعمال منافی اخلاق شده است اسناد است نه انتقاد.

انتقاد از روی حسن نیت در مواردیکه نفع عام در میان باشد قابل شکایت نیست ولی اسناد قابل شکایت است و از موضوع آن در صورت صحت نفع عامی را در بر داشته باشد.

در مواردی که مشمول امتیاز است وقتی مطلبی منتشر شود ممکن است آنرا مورد انتقاد قرار داد و اگر معلوم شود که اصولاً آن مطلب مطابق با واقع نبوده انتقاد کننده مشمول نیست مثلاً ممکن است راجع بکلیه محتویات گزارش مجامع دادگاه یا مذاکرات مجلس انتقاد نمود و کسی نمیتواند باین عنوان که بعضی از نکات مذکور در حین جریان مذاکرات یا مجامع خلاف حقیقت بوده انتقاد کننده را مقتری قلمداد نماید.

در موارد انتقاد نویسنده نباید مسائلی را که میخواهد بعنوان واقع مورد انتقاد قرار دهد از جانب خود بنویسد بلکه باید مأخذ آنها را ذکر کرده بعد انتقادی که در باره آن دارد بعنوان استنباط قید کند.

تمام - فؤاد روحانی